

آرامی قوم خدا

¹ پس بترسیم مبادا با آنکه وعده دخول در آرامی وی باقی می‌باشد، ظاهر شود که احدی از شما قاصر شده باشد.² زیرا که به ما نیز به مثال ایشان بشارت داده شد، لکن کلامی که شنیدند بدیشان نفع نبخشید، از اینرو که با شنوندگان به ایمان متحد نشدند.³ زیرا ما، که ایمان آوردیم، داخل آن آرامی می‌گردیم، چنانکه گفته است: در خشم خود قسم خوردم که به آرامی من داخل نخواهند شد. و حال آنکه اعمال او از آفرینش عالم به اتمام رسیده بود.⁴ و در مقامی درباره روز هفتم گفت که: در روز هفتم خدا از جمیع اعمال خود آرامی گرفت.⁵ و باز در این مقام که: به آرامی من داخل نخواهند شد.⁶ پس چون باقی است که بعضی داخل آن بشوند و آنانی که پیش بشارت یافتند، به سبب نافرمانی داخل نشدند،⁷ باز روزی معین می‌فرماید چونکه به زبان داود بعد از مدت مدیدی، امروز، گفت، چنانکه پیش مذکور شد که: امروز اگر آواز او را بشنوید، دل خود را سخت مسازید.⁸ زیرا اگر یوشع ایشان را آرامی داده بود، بعد از آن دیگر را ذکر نمی‌کرد.⁹ پس برای قوم خدا آرامی سبب باقی می‌ماند.¹⁰ زیرا هر که داخل آرامی او شد، او نیز از اعمال خود بیارامید، چنانکه خدا از اعمال خویش.¹¹ پس جد و جهد بکنیم تا به آن آرامی داخل شویم، مبادا کسی در آن نافرمانی عبرت‌آمیز بیفتد.¹² زیرا کلام خدا زنده و مقتدر و برنده‌تر است از هر شمشیر دودم و فرورونده، تا جدا کند نفس و روح و مفاصل و مغز را، و مُقَمِّز افکار و نیت‌های قلب است،¹³ و هیچ خلقت از نظر او مخفی نیست بلکه همه چیز در چشمان او که کار ما با وی است، برهنه و منکشف می‌باشد.

برتری عیسی بر کاهنان اعظم

¹⁴ پس چون رئیس کهنه عظیمی داریم که از آسمانها در گذشته است، یعنی عیسی، پسر خدا، اعتراف خود را محکم بداریم.¹⁵ زیرا رئیس کهنه‌ای نداریم که نتواند همدرد ضعف‌های ما بشود، بلکه آزموده شده در هر چیز به مثال ما، بدون گناه.¹⁶ پس با دلیری نزدیک به تخت فیض بیاییم تا رحمت بیاییم و فیضی را حاصل کنیم که در وقت ضرورت ما را اعانت کند.

¹ Let us therefore fear, lest, a promise being left us of entering into his rest, any of you should seem to come short of it.² For unto us was the gospel preached, as well as unto them: but the word preached did not profit them, not being mixed with faith in them that heard it.³ For we which have believed do enter into rest, as he said, As I have sworn in my wrath, if they shall enter into my rest: although the works were finished from the foundation of the world.⁴ For he spake in a certain place of the seventh day on this wise, And God did rest the seventh day from all his works.⁵ And in this place again, If they shall enter into my rest.⁶ Seeing therefore it remaineth that some must enter therein, and they to whom it was first preached entered not in because of unbelief:⁷ Again, he limiteth a certain day, saying in David, To day, after so long a time; as it is said, To day if ye will hear his voice, harden not your hearts.⁸ For if Jesus had given them rest, then would he not afterward have spoken of another day.⁹ There remaineth therefore a rest to the people of God.¹⁰ For he that is entered into his rest, he also hath ceased from his own works, as God did from his.¹¹ Let us labour therefore to enter into that rest, lest any man fall after the same example of unbelief.¹² For the word of God is quick, and powerful, and sharper than any twoedged sword, piercing even to the dividing asunder of soul and spirit, and of the joints and marrow, and is a discernor of the thoughts and intents of the heart.¹³ Neither is there any creature that is not manifest in his sight: but all things are naked and opened

Hebrews 4

unto the eyes of him with whom we have to do.¹⁴ Seeing then that we have a great high priest, that is passed into the heavens, Jesus the Son of God, let us hold fast our profession.¹⁵ For we have not an high priest which cannot be touched with the feeling of our infirmities; but was in all points tempted like as we are, yet without sin.¹⁶ Let us therefore come boldly unto the throne of grace, that we may obtain mercy, and find grace to help in time of need.